

تطبیق عدد چهار، جم و جام جم بر عناصر نگاره باریابی التریاق مرتبط با زمان مقدس روز نو سال نو با تکیه بر رمزپردازی در اندیشه الیاده

مقاله پژوهشی (صفحه ۸۳-۶۹)

نسرین ستاری نجف‌آبادی^۱

۱- دانش آموخته، کارشناسی ارشد، هنر اسلامی (نویسنده مسئول)

DOI: 10.22077/NIA.2021.3857.1377

چکیده

ضرورت توجه به زبان نمونه آثار نظام دیداری نگارگری در فرهنگ کهن ایران با تکیه بر اندیشه میرچا الیاده از یک جهت عامل بازشناسی امر مقدسی مانند روز نو از سال نو بوده و از جهت دیگر می‌تواند قابل تطبیق بر روی نمونه‌های تصویری مانند نگاره التریاق باشد. این سوال مطرح است که از منظر الیاده، چگونه زمان مقدس روز نو از سال نو با نگاره باریابی نسخه التریاق ارتباط پیدا می‌کند؟ در این تحقیق از دو روش اسنادی و تطبیقی بهره برده شده است؛ مقاله حاضر ابتدا به روش اسنادی، ضرورت توجه به زبان رمزی کیهانی در فرهنگ کهن ایران با تکیه بر اندیشه میرچا الیاده را عامل بازشناسی تقدس زمان آیینی روز نو از سال نو دانسته که یکی از اهداف تحقیق نیز است. سپس امور مقدس‌انگاشته؛ عدد چهار، جم، جام جم، محتوای درون جام و رنگ محتوا در ارتباط با زمان قدسی را با طرح نظراتی که همسو با دیدگاه الیاده به نظر می‌رسند، تطبیق داده است. همچنین سعی در انطباق مجدد آن امور مقدس‌انگارانه بر روی عناصر تصویری نگاره مزبور، داشته که هدف دوم تحقیق نیز است. نتیجه به دست آمده گواه این مطلب است که بر اساس نظرگاه الیاده در هستی‌شناسی کهن، می‌توان این احتمال را داد که آیین روز نو هر سال نو در جامعه باستانی ایران، تکراری از زمان ازلی بوده و تمام امور زندگی مانند اشخاص، اشیاء و مفاهیم را در هاله‌ای از مقدس‌انگاری قرار می‌داده‌است. اصرار بر لزوم تکرار آن آیین به جهت تداوم تقدس در بستر فرهنگی تا دوران اسلامی، مطرح بوده و بر موضوعات، افراد و اشیاء در هنر نگارگری، تاثیر گذاشته که بازتاب آن را برای نمونه، می‌توان در نگاره باریابی نسخه التریاق، مشاهده کرد. بنابراین، بین امور مقدس‌انگارانه؛ عدد چهار، شخصیت جم، جام او و محتوای درون جام جم در نگاره با باور کهن تجدید حیات و گشودگی هستی جاودانی آیین مزبور در زمان ازلی و تاثیر آن بر امور مرتبط با زندگی، یک هم‌زمانی اتفاق افتاده‌است.

واژه‌های کلیدی: زمان مقدس، عدد چهار، جم، جام جم، نگاره التریاق، الیاده.

1- Email: sattarinasrin@yahoo.com

مقدمه و بیان مساله

توجه به ماهیت زمان مقدس روز نو از سال نو در پرداختن به نمونه آثار نظام دیداری نگارگری مانند «باریابی» از نسخه التریاق، ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا نظریه‌پردازی‌های متنوعی به انجام رسیده که اندیشه‌یاده از آن جمله است. سوال این که چگونه می‌توان زمان مقدس‌انگارانه روز نو از سال نو را با نگاره باریابی از منظر الیاده مرتبط دانست؟ پژوهش به جهت پاسخگویی به مساله‌ی چگونگی ارتباط زمان مقدس‌انگارانه با محتوای نگاره، ابتدا به بررسی معنای زبان «رمزی»^۱ با تکیه بر نظرگاه الیاده به عنوان اولین هدف تحقیق، پرداخته است. در تبیین این اندیشه، زبان رمزپردازانه هر اثر فرهنگی کهن می‌تواند با امر مقدس و متعالی بهره‌مند از نظام مذهبی، مرتبط شود (الیاده، ۱۳۹۴: ۴۰۹). در مجموعه اعتقادات کهن ایرانی نیز زبان تمثیل و رموزار دینی، مبنای بازشناسی یک آیین و آثار فرهنگی مرتبط با آن است (علمی، ۱۳۹۳: ۲) به شکلی که تاثیر «کیهان انسان» ایرانی مرتبط با روز نو سال نو در ادیان قبل از اسلام تا قرن‌ها بعد در دوران اسلامی با حفظ موجودیت آیین‌ها در تظاهرات کلامی و دیداری، همواره مطرح می‌شود (الیاده، الف، ۱۳۷۹: ۳۲۴). تحقیق ضمن تاکید بر این مطلب، تاثیر امر متعالی زمان مقدس بر امور مختلف زندگی را با زبان رمزپردازانه در اندیشه الیاده بر نمونه‌های، مرتبط با عدد، شخصیت و شیء قدسی‌انگاشته شده در فرهنگ کهن ایران در تصویر مورد تحلیل، قرار می‌دهد. بازشناسی و انطباق عدد چهار زمانی، شخصیت فرادست آیین و یک نمونه شیء مقدس موجود در آیین مزبور بر عناصر تصویری نگاره التریاق به مثابه نمونه اثر نظام دیداری متأثر از زبان رمز، مورد توجه در تحقیق است.

پیشینه تحقیق

پیشینه رمزپردازی مرتبط با هستی‌شناسی فرهنگی کهن در پژوهش‌های غربی شامل افراد متعددی از جمله؛ سوزان لانگر در کتاب «Philosophy in a New Key» (۱۹۴۲)، هاوکس ترنس در تألیف «استعاره» (۱۳۷۷)، ارنست کاسیرر در «زبان و اسطوره» (۱۳۸۷)، لوی استروس در کتاب «مردم‌شناسی و هنر» (۱۳۷۲)، پل ریکور در «اسطوره و تاریخ» (۱۳۸۶) و

رولان بارت در «امپراطوری نشانه‌ها» (۱۳۹۴) می‌گردد که به صورت مستقیم یا از طریق نماد و اسطوره به این مبحث پرداخته‌اند. در دوره اخیر میرچا الیاده در زمره نظریه‌پردازانی است که هر سه موضوع را در پژوهش‌های خود گنجانیده است. در مورد ارتباط زمان با امورات هستی‌شناختی که با اقوام کهن آسیایی همچون ایرانیان باستان مرتبط باشد، شرق‌شناسانی مانند؛ آرتور پوپ و فیلیس اکرمین در کتاب «سیری در هنر ایران» (۱۳۹۴)، آنه ماری شیمل در تألیف «ادیان جهان» (۱۹۵۱)، اولک گرابار در کتاب «شکل‌گیری هنر اسلامی» (۱۳۹۶)، باربارا برنر در «هنر اسلامی» (۱۳۸۳)، تحقیقاتی به انجام رسانیده و افرادی چون پی‌یر برایان در «تاریخ امپراطوری هخامنشیان» (۱۹۹۶) و آرتور کریستن‌سن در کتاب «ایران در زمان ساسانیان» (۱۳۳۲) این مباحث را همراه با کنش‌های دینی در بطن تاریخ ایران کهن جستجو کرده‌اند. ناگفته نماند که محققینی مانند مارتن ورمازرن در کتاب «آیین میترا» (۱۳۸۳) و فردریک کاپلستون در «تاریخ فلسفه» (۱۹۴۶) به تاثیر زمان در آیین‌های زرتشتی، اشاراتی داشته‌اند.

در ایران پژوهشگران بسیاری مانند محمد مددیپور، حسن بلخاری، ابوالقاسم دادور، محمد خاتمی در این مورد نظرگاه خود را ابراز داشته‌اند ضمن این که باید از نویسندگانی نام برد که به تحلیل دیدگاه الیاده پرداخته‌اند مانند؛ حسن قنبری که در مقاله «دین از دیدگاه میرچا الیاده» منتشر شده در نشریه ادیان و عرفان (۱۳۹۰) به تجارب دینی کهن‌الگویی اشاره داشته یا قربان علمی در پژوهش منتشر شده در نشریه پژوهش‌های هستی‌شناختی با عنوان «الیاده و هستی‌شناسی مقدس» (۱۳۹۳) بر نگاه امور مقدس‌انگارانه نسبت به اشیا و مفاهیم در یک مرکزیت آیینی پرداخته‌است.

در باب تصویر مورد استفاده در این پژوهش در برخی از تألیفات توصیفی از نگاره به عمل آمده‌است مانند؛ آرتور اوپهام پوپ (۱۳۸۷) در کتاب «سیری در هنر ایران»، نگاره نسخه التریاق را با نام «شاهزاده در میان خدمه» معرفی کرده و با ویژگی‌های تزئینی بودن شبیه شیوه مینایی و جدا بودن موضوع تصویر کادر فوقانی به توصیف آن می‌پردازد. رویین پاکباز (۱۳۸۳) در تألیف خود به نام «نقاشی ایران از دیرباز تا

(همان: ۶۸). نتیجه این امر، آشتی اضداد ۴ است به صورتی که امور متضاد ظاهری بدون اختلاف با هم در عین کثرات وجودی، وحدتی اسرارآمیز پیدا می‌کنند (علمی، ۱۳۹۵: ۱۱). به زعم الیاده رمز باید به اموری اختصاص پیدا کند غیر قابل توصیف یا غیر قابل بیان اند چرا این امور بیان‌نشده، موجب همبستگی انسان با جامعه و نیز پیوند انسان با کیهان به مصداق هویت عمیق او است (الیاده، الف، ۱۳۷۹: ۴۲۰). این است که انواع خلقت در جهان با پذیرش آفرینش رمزی یک مرکز کیهانی، سنگ‌بنای تمام امورات فرهنگی با هر نوع فعالیتی است (Eliade, 1991: 18) و می‌تواند پیام‌های متعدد خود را با رمزگشایی صحیح در مورد وابستگی متقابل انسان کهن به جهان پیرامون، واضح کند (Eliade, 1986: 12). بر اساس این نوع تفکر، انسان جامعه کهن، احساس ناگسستگی با جهان و امور مقدس‌انگارانه موجود در هستی داشته و شاید در همین راستا است که اعمال انسانی‌اش با بازسازی کردن افعال ازلی، جاودانه شده و ارزش پیدا می‌کند (Eliade, 1954: 4). مردم این جوامع، زندگی طبیعی‌شان را همچون مراسم دینی به شمار آورده و در جهانی زندگی می‌کنند که در تقدس فرو رفته (Eliade, 1968: 31 & 331) و همواره مرتبط با امور قدسی انگاشته شده‌ای مانند زمان، مکان، اشیاء، عناصر، موجودات گیاهی و جانوری و تبعاً بازنمود این موارد به اشکال مختلف هستند. در محیط کیهانی، نیز متضادها یا همان متجانس‌ها حضور دارند، اما در این فضای بیگانه، امور مقدس، آشکارگی بیشتری پیدا می‌کنند (الیاده، ۱۳۸۷: ۱۳). بر اساس نظرگاه الیاده باید توجه داشت که از جمله فرهنگ‌هایی که آشکارگی امور مقدس در آیین‌های آنان اتفاق می‌افتد، اقوام کهن آسیایی هستند (الیاده، ۱۳۷۵: ۶۵). امور مقدس‌انگارانه‌ی مرتبط با اشیا در این اقوام، هم از قدرت جهت‌دهی برخوردار بوده و هم جهت تجلی قدسی را به سمت یک مرکزیت ثابت، تعیین می‌کند (علمی، ۱۳۹۳: ۶). مرکزیتی که در ارتباط بین جهان کوچک انسانی و جهان هستی با تمام تجلیاتش از جمله اشیا و اشخاص مقدس‌انگاشته در مناسک و آیین‌ها قابل تشخیص است (Eliade, 1967: 165). مقاله، همچنین بهره‌مندی از زبان رمز در اندیشه الیاده و انطباق آن با امر قدسی زمان که به نظر می‌رسد ارتباط معناداری با

امروز» در وصف این نگاره با نام «صحنه‌های دربار»، اعتقاد به تأثیر هنر و اندیشه مانوی در تصویرگری دوره سلجوقی به جهت پرداختن به هاله دور سر و پیوند نگاره‌های عرب و ساسانی در صحنه‌های تشریفاتی دارد. پاکباز ترکیب‌بندی اصلی را نگاره وسط دانسته و بقیه را پاسخگویی نگارگر به سلیقه عوام و خواص در یک ترکیب‌بندی کلی می‌داند. باربارا برند (۱۳۸۳) در کتاب «هنر اسلامی» علاوه بر توصیفات قبلی، اذعان دارد که در یک فضا، اسباب سرگرمی شاه فراهم و اطرافیان با در دست داشتن اشیایی، موقعیت اجتماعی خود را بیان می‌کنند و در یک تالار جداگانه- قسمت بالای کادر مرکزی- نوازندگان به اجرای موسیقی، اشتغال دارند. محسن مراثی (۱۳۹۱) نیز در مقاله «تبیین بررسی چگونگی ترکیب نوشته و تصویر و خاستگاه آن در نگارگری مکتب شیراز دوره آل اینجو» منتشر شده در نشریه نگره با تأکید بر ترکیب‌بندی کادر تصویر به شیوه ساسانی به توصیف فضای پلکانی تقسیم‌شده و تبعیت قاب به جهت نگارش اشعار احتمالی می‌پردازد. مقاله پیش رو با روش اسنادی و تحلیلی-تطبیقی، بررسی جدیدی از جهت رمزپردازی بر اساس اندیشه الیاده با در نظر گرفتن نقاط قوت و ضعف پژوهش‌های پیشین - که به صورت پراکنده به هستی‌شناسی، امر مقدس، زمان مقدس، اندیشه رمزپردازانه الیاده، بازبایی تأثیر زمان در نگارگری، عناصر نگاره التریاق پرداخته‌اند- تلاش دارد، نوشتار کامل و جامعی جهت تبیین زمان مقدس‌انگارانه در جامعه کهن ایران- تداوم یافته تا دوره اسلامی- که در نمونه اثر نگارگری، بازتاب یافته‌است، ارائه نماید.

مبانی نظری تحقیق

در مواجهه با مبانی نظری این تحقیق، با توجه به نگرش میرچا الیاده به نظر می‌رسد باید ابتدا به رمزهایی پرداخته شود که نشانگر تداوم زمانی امری به نام قدسات‌اند (جعفری، ۱۳۸۷: ۶۷) و آشکارکننده کیفیتی از ساختار جهان است که در مرحله تجربه بی‌واسطه‌ی واضحی نیست. این رمزها با دادن رنگ و بوی دینی به ساختارهای کلی زندگی در جهان کهن از نظر معنی، چند لایه می‌شوند^۲ که در این لایه‌ها هر عنصر این کلیت به یک موقعیت کیهانی انسانی، اشاره دارد

ارتباط بین زمان و امورات مربوط به جهان کیهانی انسان ایرانی، مورد توجه بوده، تداوم این تفکر تا دوره اسلامی و بازتاب آن در حوزه آثار فرهنگی همچون نگارگری - خاصه نمونه نگاره نسخه التریاق - با بهره‌مندی از زبان رمزپردازانه است. به این شکل که ادیان، صور حسی خود را به عنوان قالب‌های عناصر فرهنگی کسب کرده (الیاده، ۱۳۷۵: ۷۰) و در پرورش تصاویر رمزی، گشاده‌دستی می‌کنند به نحوی که الهام‌بخش خزانه‌ی عظیم و متنوعی از انواع هنرها مانند نقاشی هستند (همان: ۷۳). بر این اساس سنت مصورسازی و نگارگری در فرهنگ‌های کهن، اهمیت دارد (الیاده، ۱۳۷۹: ۳۴۴). این سرشت مقدس کهن که در دوره عرفان اسلامی شکلی از حکمت به خود گرفته (ربیعی، ۱۳۹۰: ۲۷)، از دیدگاه غالب پژوهش‌های انجام شده در این زمینه در واقع از دو منشأ و ریشه‌ی زردشتی و «مانوی»^{۱۳} بهره‌مند است. البته دین زردشت، بنیان اعتقادی خود را بر پایه‌ی عقاید و باورهای کهن‌تری مانند «مزديسنا»^{۱۴}، استوار کرده است (دادور، برازنده حسینی، ۱۳۹۱: ۱۸۵). از این منظر، زبان رمزپردازانه‌ی میان دین و هنر از قبل از اسلام تا دوره‌های هنری بعد از اسلام، تداوم پیدا می‌کند (همان: ۴۱۶). بر این اساس، امر مقدس‌انگاران‌ی زمان که در پژوهش حاضر، مورد مطالعه قرار گرفته، بر روی نمونه اثر نگارگری «نسخه‌ی خطی جالینوس یا التریاق از قرن هفتم و مکتب سلجوقی»^{۱۵} که کمتر به آن پرداخته شده و در بر دارنده توصیفات محدودی بوده، جهت تحلیل و تطبیق زمان مقدس سال نو بر نمونه اشکال نگاره، مطرح است.

روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر بر مبنای دو روش اسنادی و تطبیقی - تحلیلی به انجام رسیده است. بر پایه استناد به منابع در بر دارنده اندیشه الیاده در باب رمزپردازی، یافته‌های اولیه به مثابه امور مقدس مرتبط با زمان کهن فرهنگ ایران، تبیین شده که عبارت است از؛ عدد چهار، جم، جام جم، محتوای درون جام و رنگ آن. سپس این امور در جدول با عناصر تصویری نگاره باریابی در نسخه التریاق به تطبیق رسیده تا نگاره را با زمان روز نو از سال نو را در

زندگی طبیعی انسان دوره کهن و با هستی‌شناسی او و اشیاء پیرامونش دارد، مورد توجه قرار می‌دهد که به مثابه پاسخ «کهن‌الگویی»^{۱۶} به حضور امر متعالی در موضوعات این جهانی است. بنابراین شرکت‌کنندگان در تجربه‌ی آیینی مزبور، ظهور اولیه‌ی آن زمان قدسی را خواستار می‌شوند (قنبری، ۱۳۹۰: ۱۲۳). الیاده اعتقاد دارد که داشتن این هدف یعنی خواستن ظهور اولیه‌ی زمان مقدس در تجربه‌های آیینی، قرار گرفتن در زمانی برتر از زمان دنیوی است (جعفری، ۱۳۸۷: ۵۷). با اجرا و شرکت در آیین‌های زمانی همچون؛ جشن‌های سالانه، این گونه پنداشته می‌شود که هر زمان قدسی، برگرداندنی است. این گونه آیین‌ها، جایگزین حادثه مقدس ازلی بوده و تکرار دوباره آن، زمان مقدس را به طور نامحدود همراه با انواع اشیاء و اشخاص و موجودات، بازیافتنی می‌کند (الیاده، ۱۳۹۳: ۵۵). با تاکید بر اندیشه الیاده و برخی از نظرات همسو با این نظرگاه، می‌توان گفت؛ در جامعه‌ی کهنی مانند ایران، نوروز سال نو ایرانی، گواه بر یادآوری روز ازلی آفرینش جهان و انسان بوده، اعتقاد به برگزاری و بزرگداشت آن، مرتبط با مذهب زردشت و حتی قدیمی‌تر از آن در اعتقادات مربوط به «زرروان»^{۱۷} است. در متن اوستا، قسمت‌های متعددی دارای موضوع مرتبط با زمان قدسی نوروز و جشن سال نو، مطرح است. برای مثال در «یشت»^{۱۸} که فروردین‌یشت نام‌گذاری شده در ستایش فروهر یا «فروشی»^{۱۹} هاست. این فروهرها، همزادان انسان در دنیای دیگر و نگهبان آدمی در این دنیا به شمار رفته و در هر سال نو بایسته‌است که از آن‌ها یاد شود. (آموزگار، ۱۳۸۷: ۷۲). در «ویسپرد»^{۲۰} نیز که در آیین‌های نوروزی کاربرد دارد، ستایش از روزها و زمان در کنار شهریاران، مومنان، موجودات گیاهی و جانوری، آب و آتش به انجام می‌رسد (همان: ۷۵). همچنین جشن بهار و زمان فرا رسیدن آن در رساله‌ی مذهبی «ماه فروردین - روز خرداد»^{۲۱} ذکر شده که بسیار مورد توجه زردشتیان است (رضی، ۱۳۸۴: ۳۲۹) و اشاره به وجود «فره»^{۲۲} در مرکزیت آیین برگزاری این زمان قدسی دارد. در مورد نوروز سال نو، اصطلاح «راپیتون»^{۲۳}؛ جشن مقارن با بازگشت بهار و جان گرفتن گیاهان ظاهراً مرده بوده که نشانه‌ای از زمان رستاخیز واقعی انسان است (وهمن، ۱۳۸۴: ۱۷۶). مبانی نظری دیگری که در پژوهش حاضر از جهت

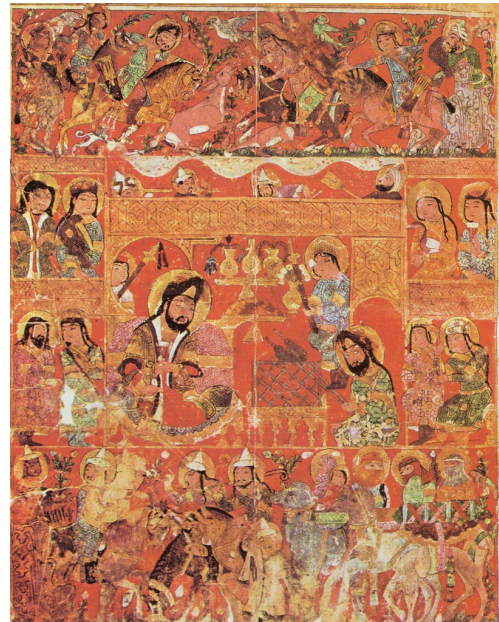
بخش می‌شود و معماری مذهبی جامعه‌ی کهنی مانند ایران چه قبل از اسلام و چه در دوره اسلامی از اصل کارکردی مستطیل و مربع که نهایتاً به دایره مرکزیت می‌انجامد، بهره‌مند است (حاجی‌علی‌عسگر، مومنی، ۱۳۹۶: ۲۴) که احتمالاً از یک سو به عناصر چهارگانه‌ی آب، باد، خاک و آتش که نگهدارنده‌ی زمین است (همان: ۳۶) و از سوی دیگر به موالید چهارگانه که جماد، نبات، انسان و حیوان در نظر گرفته می‌شوند (مددپور، ۱۳۹۳: ۸۹)، اشاره دارد، چنان‌که حضور عدد چهار در آیین‌های زایش، پررنگ است (احمدی، ۱۳۹۴: ۸). در نحوه‌ی ارتباط عدد چهار با فضا و معماری، نکته دیگر این است که در دین کهنی مانند زردشتی، توجه به اشکال چهارگوش که قطرش ایجاد مرکزیت می‌کند، احتمالاً با ایجاد مکان‌های چهارضلعی مرتبط بوده، چنانکه نقشه مربع بر روی زمین، معنای رمزی خود زمین و استواری آن است (حاجی‌علی‌عسگر، مومنی، ۱۳۹۶: ۳۱)، همچنین در این دیدگاه و تداوم آن تا دوره اسلامی، نگهبانان و فرشتگان مجری فرامین آفریدگار، آموزش‌دهنده و محافظ چهار جهت اصلی به انسان در چهار گوشه یا ارکان زمین، تصور می‌شوند. این موجودات آسمانی نشانه‌هایی از احیاء جهان، تعالی، رستاخیز، اشتیاق و بی‌مرگی را با خود حمل می‌کنند (همان: ۲۵). تصور چهار رکن و ارتباط آن با نشانه‌های زمانی و کیهانی انسانی به مثابه عالم صغیر در ادبیات نیز باز نمود دارد، چنانکه در بیت عرفانی زیر از «شیخ محمود شبستری در کنز الحقایق»، مطرح است: «... چرخ و انجم و از چار ارکان نموداری بود در نفس انسان...» (کنز الحقایق، قرن هفتم هجری: ۵۳۵، منقول از امامی و مالگرد، ۱۳۹۱: ۱۳).

در جدول شماره ۱، داده‌های تحلیل شده مرتبط با عدد مقدس‌انگارانه چهار که بر نمونه عناصر تصویری نگاره تطبیق داده شده، مطرح است. (جدول ۱):

وجه زبان رمزی، مرتبط کند که دارای ماهیت کاربردی در هنر نگارگری است.

تحلیل و تطبیق داده‌های پژوهش مرتبط با نمونه عناصر تصویری نگاره باریابی و زمان مقدس در نسخه التریاق

نمونه اثر نگارگری مربوط به دوره سلجوقیان با برخورداری احتمالی از عناصر؛ عدد چهار کیهانی، شاه/جم یا جمشید، جام/جام جمشید، محتوای درون جام و رنگ آن در تطبیق و تحلیل نگاره باریابی بر اساس اندیشه الیاده مطرح است. تصویر ۱

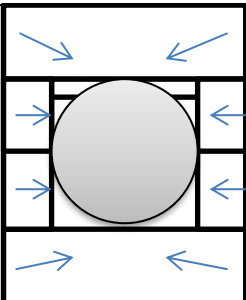



تصویر ۱: نسخه‌ی خطی جالینوس/ التریاق، مکتب سلجوقی، مأخذ: (پوپ، ۱۳۸۷: ۸۱۳)

تحلیل عدد چهار کیهانی

یکی از کامل‌ترین اعداد کهن که می‌تواند با زمان، مرتبط شود، عدد چهار است. در رابطه با معنی رمزی و ماوراء طبیعی عدد مزبور، نکاتی مورد توجه است؛ در بیان کلی، ادیان کهن متمایل به زمانی دایره‌وار و اساطیری هستند تا بتوان در این دایره به تجدید حیات پرداخت (لکزایی، موسویان، ۱۳۹۶: ۱۴۸)، اما این زمان دوار در طول خطی یک سال در میان چهار چوبی که رو به سوی چهار جهت اصلی و چهار جهت فرعی داشته، متصور می‌شود (الیاده، ۱۳۹۳: ۵۹). از منظر کهن، زمین چهار

جدول ۱: تطبیق داده‌های تحلیلی زمان بر عدد مقدس‌انگارانه چهار در نگاره. (نگارندگان: ۱۳۹۹)

تطبیق داده‌های تحلیلی زمان بر عدد مقدس‌انگارانه چهار در نگاره					
۲	۱	۲	۱		
					
۴	۳	۴	۳		
					
<p>* عناصر چهارگانه: ۱-ظرف آب، ۲-هوا یا باد، ۳-خاک، ۴-آتش.</p>	<p>* موالید چهارگانه: ۱-جماد در فضای مرکزی آیین، ۲-نبات (نیلوفر و شکوفه و نان تولید شده از گیاه) در فضای مرکزی آیین، ۳-مرد در فضای مرکزی آیین و مرد، زن و کودک در فضای فعالیت‌های سالانه انسانی، ۴-حیوان (گوشت حیوان شکار شده در مرکزیت، حیوانات شکارچی و مخصوص جنگ و شکار، حیوانات باربر و مخصوص مسافرت) در فضای کلی کیهانی کادر مستطیل.</p>			<p>* فضای کلی کیهانی در کادر مستطیل. * تقسیم‌بندی فضاهای فعالیت سالانه انسانی و آیینی. * جهت همه فعالیت‌ها به سمت چهارگوش مربع آیین روز نواز ماه نواز سال نو. جهت حرکت همه عناصر به سمت دایره مرکزی آیین.</p>	<p>* زمان خطی سالانه در میان چهارچوب رو به سوی چهار جهت اصلی و فرعی از سمت مرکزیت آیین.</p>

شاه / جم ۱۶ یا جمشید

در یک بیان کلی شاه در نظرگاه انسانی کهن از یک سو دارای وجه حرمت یا منع بوده برای این شخصیت جسم و روحی ماوراء طبیعی در نظر گرفته می‌شود که نوع رفتار او نسبت به اطرافیان و اشیاء پیرامونش را متفاوت می‌کند (الیاده، ۱۳۹۴: ۳۵)، از سوی دیگر اقامتگاه شاهانه نیز با در نظر گرفتن «محوریت جهانی»^{۱۷}، دارای همان حرمت است (همان: ۳۵۱). بنابراین در جریان برگزاری یک آیین کهن مرتبط با سال نو، تمامی کنش‌های تشریفاتی در این مکان با نیل به مرکزیت انسانی یعنی شاه، واجد یک امر قدسی زمانی می‌شود (همان: ۳۰۳). در ایران باستان و دوره مذهبی احتمالی زردشتی مانند حکومت هخامنشیان، فرادست حکومتی/ شاه در روز برگزاری آیین کهن نوروزی، اظهار می‌دارد: «امروز روز نو از ماه نو از سال نو است؛ آن چه زمان آن را فرسوده، باید نو شود» (الیاده، ۱۳۹۳: ۵۵). در چنین آیینی، بلندمرتبه‌ترین افراد در حلقه‌ی اول اطرافیان شاه قرار دارند؛ ابتدا دست چپ، سپس دست راست، باز دست چپ و مجدداً دست راست و به همین ترتیب

قرار می‌گیرند (برایان، ۱۳۷۷: ۶۵۸)، به دلیل الگوبرداری ساسانیان در فرهنگ و حکومت از امپراطوری هخامنشیان (کریستن سن، ۱۳۷۸: ۵۹)، حضور فرادست مذهبی زردشتی در کنار شاه در هر آیین و مراسمی الزامی بوده و او از جانب شاه، ریاست مذهبی اعیاد را بر عهده دارد (همان: ۸۴-۸۶). در متون زردشتی این مرکزیت آیینی، هم مرتبط با فرادست مذهبی بوده که نماد زردشت زردشت محسوب می‌شود و همواره دارای وجه ازلی و آسمانی انگاشته شده (الیاده، ۱۳۸۱: ۴۷) و هم با فرادستان حکومتی یا شاهان ادوار تاریخی حقیقی و اسطوره‌ای، که دین زردشت را به رسمیت شناخته و حامی او بوده‌اند. به این شخصیت‌ها در متن رساله‌های مذهبی مانند: ماه فروردین - روز خرداد، اشاره شده و با ابتدای سال و نوروزگان، مرتبط می‌شوند (رضی، ۱۳۸۴: ۳۲۹). در واقع به گمان جامعه کهن ایرانی، دو اصل دین‌بهی و سلطنت در یک فضای آرمانی، همزیستی داشته و عامل مهم شکست شر است. شاه خوب، تجلی روح نیکوکار خدا و نماد فرمانروایی او بر زمین است (هینلز، ۱۳۹۱: ۱۵۳). این شخص که با اسطوره

چنین جشن فرخ از آن روزگار بمانده از آن خسروان یادگار...» (فردوسی، ۱۳۷۹: ۲۳/۱).

وجود جم با زمان در قالب کلی؛ نظم خورشیدی و زمان‌بندی زندگی جامعه کهن ایرانی به جهت سروری داشتن او بر آسمان و مکانش در بهترین جایگاه کیهانی، مرتبط است (مدرسی، مظفری، ۱۳۹۵: ۵۱). انجام انواع کنش‌های فرادست حکومتی در اعیادی مانند نوروز را در دروه اسلامی از سوی حاکم، سلطان یا امیر، احتمالاً بتوان، مرتبط با نظرگاه کهن ایرانی در نظر گرفت (دهخدا، ۱۳۷۷: ۴۰۰۷ - ۴۰۰۸). در جدول شماره ۲، داده‌های تحلیل شده مرتبط با شخصیت مقدس‌انگاران شاه/جم یا جمشید که بر نمونه عناصر تصویری نگاره تطبیق داده شده، مطرح است. (جدول ۲):

انسان نخستین، زمان ازلی آفرینش ایرانی و برکات و نزولات آسمانی، همراه است، جم یا جمشید نام دارد (ویدن گرن، ۱۳۷۷: ۳۰ و ۷۱). عناصر مقدس چهارگانه اعم از آتش، آب، خاک و گیاه در رابطه با شهریاری جم، مطرح است (همان، ۱۳۷۷: ۳۰). او همواره بر جهان خوش و پر طراوت در حالتی از جوانی و در زمان بی‌مرگی حضور دارد (وهمن، ۱۳۸۴: ۱۹۳). وجود این شخصیت به عنوان عالم صغیر در برابر عالم کبیر آفرینش در نقطه مرکزی و حیاتی جهان در نظر گرفته می‌شود (الیاده، ۱۳۹۴: ۳۰). در متون اوایل دروه اسلامی هم این دیدگاه همچنان مطرح است. در شاهنامه، پایه‌گذاری جشن نوروز، توسط جم یا جمشید به این شکل، مطرح شده: «جهان انجمن شد بر تخت اوی فرو مانده از فره بخت اوی به جمشید بر گوهر افشاندند و آن روز را روز نو خواندند

جدول ۲: تطبیق داده‌های تحلیلی زمان بر شخصیت مقدس‌انگاران شاه/جم یا جمشید در نگاره. (نگارندگان: ۱۳۹۹)

تطبیق داده‌های تحلیلی زمان بر شخصیت مقدس‌انگاران شاه/جم یا جمشید در نگاره				
	۲	۱		
				
	۴	۳		
از اعمال مرتبط با آیین شروع سال نو. بیلاق و قشلاق در پایین‌ترین مرتبه مانند زاد و ولد، تجارت، مهاجرت یا * فعالیت‌های معمول ارتباطی سالانه، نوروزی (۱-گروه اول سمت چپ، ۲-گروه دوم سمت راست، ۳-گروه سوم سمت چپ با کمی فاصله و ۴-گروه چهارم در سمت راست با کمی فاصله.	* حضور اطرافیان بلندمرتبه در نزدیک‌ترین حریم به مرکزیت آیین	* وجود احتمالی شاه/جم در آیین شکار قربانی مربوط به نذر سال نو، * وجود ارواح در گذشته‌گان/فروشی‌ها/فرشتگان در این مراسم به شکل پرنده با هاله دور سر.	* شاه/جم/جمشید: در حریم مرکزی چهارگوش مربع، همراه با چهار عنصر، موالید چهارگانه، فرادست مذهبی، محافظین با برافراشتن پارچه سفید بر قبضه شمشیر در آیین نوروزی. * جم مرتبط با زمان کشت سالانه.	

نماد تجدید زمان است (همان: ۳۷۳). از نمونه‌ی این اشیاء، وجود جام در ارتباط با حضور فرادستان در آیین‌هایی است که ظاهراً از دوره کهن تا برخی ادوار فرهنگی ایران در دوره اسلامی، تداوم پیدا کرده‌است. بر طبق اعتقادات زردشتی، جام از یک سو با شخص زردشت مرتبط بوده، به شکلی که او با درخواست دانش الهی، رستگاری و آگاهی بر همه امور در بارگاه اهورامزدا از طریق این شیء مقدس به استجاب دعای

جام/جام جمشید

قداست ابزار مورد استفاده برخی فرادستان حکومتی به زبان رمزپردازانه، مطرح است که از ماوراء طبیعی انگاشتن وجود این اشخاص در نظر اقوام کهن (الیاده، ۱۳۹۴: ۳۳) و اشیاء مرتبط با آن‌ها حکایت دارد، چنان‌که در آیین آغاز سال نو این کنش، تکرار می‌شود و از حالت یک پذیرایی یا تشریفات صرف با آن اشیاء، خارج و همراه با دیگر موارد مقدس‌انگاشته‌شده،

«یکی جم نام وقتی پادشاه بود که جامی داشت کان گیتی نما بود...» (کنزالحقایق: ۵۳۵، منقول از معین، ۱۳۳۸: ۳۰۳، منقول از امامی، مالگرد، ۱۳۹۱: ۱۳).

استفاده از جام به مثابه ابزار زمان‌سنجی ماه‌های سال نیز در این ابیات می‌تواند در نظر گرفته شود:

«... ز ماهی به جام اندرون تا بره نگاریده پیکر همه یکسره
چو کیوان و بهرام و ناهید و شیر چو خورشید و تیر از بر و ماه زیر...» (فردوسی، ۱۳۷۹: ۴۳/۵).

در ابیات عرفانی حافظ نیز به جام و ارتباط آن با زمان و آفرینش کیهانی به زبان رمز اشاره شده است:

«...گفتم این جام جهان‌بین به تو کی داد حکیم گفت
آن روز که این گنبد مینا می‌کرد...» (حافظ، ۱۳۷۰: ۱۰۲).

همچنین سنایی غزنوی با زبان نمادین و رمزی در نمونه ابیات زیر، جام و جمشید را مطرح کرده است:

«...قصه جام جم بسی شنوی و اندر آن بیش و کم بسی شنوی...
گر تمنا کنی جهان دیدن جمله اشیاء در او توان دیدن...» (سنایی غزنوی: ۳۱۲ منقول از امامی و مالگرد، ۱۳۹۱: ۱۷).

در جدول شماره ۳، داده‌های تحلیل شده مرتبط با جام شخصیت مقدس انگارانه شاه/جم یا جمشید که بر نمونه عناصر تصویری نگاره تطبیق داده شده، مطرح است. (جدول ۳):

جدول ۳: تطبیق داده‌های تحلیلی زمان بر جام شخصیت مقدس انگارانه شاه/جم یا جمشید در نگاره. (نگارندگان: ۱۳۹۹)

تطبیق داده‌های تحلیلی زمان بر جام شخصیت مقدس انگارانه شاه/جم یا جمشید در نگاره			
			
*جام در داستان شاه/جم در آیین نوروزی مرتبط با شخصیت شاهانه جم در ارتباط با ویژگی‌های: ارتباط با مرکزیت آیین، پیش‌گویی اتفاقات و تنظیم اعمال سالانه، پیروزی ازلی، شفابخشی، جوانی و بی‌مرگی. * تأثیر ویژگی‌های شاه/جم بر مجموعه کیهانی مرتبط با آیین.		*جام جهان‌نما/شفابخش/بی‌مرگ/پیروزی ازلی در دست شاه/جم در ارتباط با فرادست مذهبی آماده‌کننده نذر از گوشت شکار قربانی به نمایندگی از مناسک کهن زردشت. *جام با همان ویژگی‌های ماورایی در دست فردی از بلند مرتبه‌ترین افراد اطراف مرکزیت آیین نوروزی در ارتباط با عمل نذر قربانی به واسطه فرادست مذهبی زردشتی.	

و رستگاری و آگاهی، آب زلالی از جانب اهورامزدا در جام دریافت کرد (امامی، مالگرد، ۱۳۹۱: ۱۰). مورد دیگر در ارتباط با فرهنگ کهن تر ایرانی بوده و به گیاه مقدس انگاشته‌ای به نام

خود می‌رسد. از سوی دیگر شیء مزبور به برخی از شاهان اساطیری مرتبط می‌شود، چنانکه به دارنده‌ی خود در مناسک و آیین‌های متعدد، فیض‌هایی مانند؛ حکمت، آگاهی بر زمان، قدرت، زمان بی‌مرگی، درمان‌بخشی و پیروزی ازلی، عطا می‌کند. این فیوضات مرتبط با جام، ضمن توجه به نشانه‌ها و قراین قبل از آیین زردشت در آیین‌های کهنی همچون «مهر»^{۱۸} نیز مطرح است (امامی، مالگرد، ۱۳۹۱: ۱۰). حضور مفهومی جام در شکلی از برکت‌بخشی در زمان‌های خاص در متون اوستایی، مطرح بوده که مرتبط با آغاز آفرینش آب‌ها است. در بندهش چنین آمده که الهه‌ی آب‌ها با جام که پیمان‌افزار کاربردی برکت آب است ابتدا این نعمت را به دست آورده، سپس در موعد خود به فراوانی و نزول بارش درمی‌آورد (دادگی، ۱۳۶۹: ۶۴، ۸۷).

تعبیر مربوط به جام، اشعار دوره اسلامی را نیز تحت تأثیر قرار داده که در این تحقیق به مواردی اشاره می‌شود. در اساطیر شاهنامه و در یک نگاه کلی، جام در داستان شاهان ایرانی مانند جم یا جمشید به پیشگویی و اخبار زمانه، کارکرد داشته است (فردوسی، ۱۳۷۹: ۳۹-۴۲). آنچه را به جم یا جمشید و آغاز آفرینش و انواع برکات شروع سال نو بتوان مرتبط کرد به عنوان نمونه در این بیت مطرح می‌شود:

محتوی درون جام و رنگ آن

در مواجهه با محتوی درون جام شاهانه، در یک مورد بر طبق اعتقادات اولیه زردشتی، زردشت بعد از درخواست خرد

است (اوشیدری، ۱۳۸۳: ۱۱۹).

با توجه به این نظر که طبقه‌ای از اشیاء نیز در ارتباط با امر مقدس متعالی می‌توانند نقطه‌ی تجلی قدسی، پیدا کنند (الیاده، ۱۳۹۴: ۳۳)، موردی که با وابستگی احتمالی به شیء جام در نظر گرفته می‌شود، رنگ مایع درون آن است؛ اولین رنگ اشاره به زلالی و شفافی آبی دارد که در جام متعلق به زردشت و از سوی اهورامزدا به او هدیه می‌شود تا خرد و آگاهی نسبت به جهان و کیهانی انسانی به او افزوده شود (امامی، مالگرد، ۱۳۹۱: ۱۰).

دومین احتمال مرتبط با هوم مقدس بوده که خود شامل دو رنگ زرد و قرمز است. رنگ زرد که ظاهراً ابتدا دارای عصاره‌ی خالص قرمز، بوده و زردشت سفارش به ترکیب آن با شیر و آب می‌کند (نوابی، ۱۳۸۹: ۱۳۱) و رنگ قرمز که علاوه بر قرمزی مایع احتمالی هوم، دارای معانی مرتبط با زمان و کیهانی انسان، می‌تواند باشد. در یک بیان کلی، رمزپردازی رنگ قرمز در فرهنگ‌های شرقی با خوش‌یمنی و باروری، همراه است (بروس میت‌فورد، ۱۳۸۸: ۱۱۰). در فرهنگ ایران باستان نیز با امور متعددی مرتبط است. این رنگ جزء متعالی و متضاد رنگ‌ها یعنی حرکت کننده به سمت بالا در وجه روحانی است. این مرتبه‌ی عالی، مرتبط با وجود انسانی ظاهر می‌شود (خاتمی، ۱۳۹۰: ۱۶۶-۱۶۷). ایرانیان کهن، این رنگ را رمز باروری زمین نیز در نظر می‌گیرند (بسته‌نگار، ۱۳۹۳: ۶۱). مهربان قبل از ظهور زردشت به رنگ قرمز دلبستگی داشته و در ارتباط با زمان، بامداد پیش از طلوع خورشید را از مظاهر و جلوه‌های ایزدی، می‌دانند (پاشایی، ۱۳۹۳: ۱۱۸). در متون پهلوی، مردمان در جهانی با رنگ نمادین قرمز به نشانه‌ی حیات و فضای زندگی، روزگار، می‌گذرانند (چوناکوا، ۱۳۷۶: ۶۴). همچنین در زمان‌بندی هفتگی این مردمان، روزهای هفته، هر یک به رنگی بوده که سه‌شنبه به جهت نام‌گذاری آن منطبق با حضور سیاره‌ی مریخ یا بهرام به نماد جنگاوری با رنگ قرمز، مشخص می‌شود (شیمیل، ساسک، ۱۳۸۹: ۴۲). در ارتباط با اسطوره جم که آورنده‌ی رنگ‌های الوان و از جمله رنگ قرمز بوده، شخصیت جم، آتش قرمز سوزانی که او آورده، فر کیانی جمشید و احتمالاً هوم مرتبط با او به رنگ قرمز است (مدرسی، مظفری، ۱۳۹۵: ۵۱).

«هوم»^{۱۹} اشاره دارد. این گیاه قدسی در اوستا، پسر اهورامزدا در نظر گرفته می‌شود. زمانی که در طی یک آیین، حیوانی به جهت نذر، قربانی می‌شود، هوم، سهم زمینی خود از حیوان قربانی شده را دریافت می‌کند تا روح آن قربانی، محافظت شود. افشردن این گیاه را زردشت به دست خود انجام داده است. در بین شاهان ایرانی، یکی از عصاره‌گیرندگان هوم، جم یا جمشید است. هر بار که نذری داده شود، هوم باید حضور داشته باشد به دلیل این که او هم ایزد، هم موبد و همچنین قربانی‌شونده است (هینلز، ۱۳۹۱: ۵۰-۵۲).

در برخی سروده‌های اوستا مانند؛ هوم‌یشت، «یسن آ»^{۲۰}، بخش دوم، نام هوم برابر با معانی مرتبط با زمان و کیهان آورده شده است (نوابی، ۱۳۸۹: ۱۲۸). گیاهی که هدیه آسمانی و ازلی اهورامزدا بوده، زنده و سرسبز در چهار فصل است و البته زردشت بنا به خاصیت غیر عادی آن، تاکید بر مصرف عصاره‌ی هوم با ترکیبی از شیر و آب دارد تا با تعدیل مایع مورد نظر، شکلی از شفادهنگی برای برخی امراض مطرح شود (همان: ۱۲۹-۱۳۱). رونق گرفتن و وفور نعمت انسانی، گیاهی و جانوری همراه با شروع بارش سال نو نیز مرتبط با این گیاه است (همان: ۱۳۴-۱۳۶). در متن اوستا آمده است: «هر که آن را خورد، بی‌مرگ شود و آن را گوگرد درخت خوانند» (دادگی، ۱۳۶۹: ۸۷). این درخت در تاریخ اسطوره‌های ایرانی در اختیار پدر جمشید بوده که از عصاره‌اش، نوشیدنی مقدس تهیه می‌شود (همان). این نوشیدنی در ارتباط با جام جم نیز مطرح است (امامی، مالگرد، ۱۳۹۱: ۱۲). همچنین بهره‌مندی از عصاره هوم در دعای آفرینگان رپیتون ذکر شده که در مورد زمان ازلی اولیه و زمان آرمانی آینده سروده شده است (هینلز، ۱۳۹۱: ۴۶). در اوستا، زادسپرم، فصل ۳۴، بند ۲۷ در توضیح واژه‌ی رپیتون آمده است: «آن زمان شبیه سال است که در بهاران درختان به شکوفه می‌آیند... همانند برخاستن مردگان، برگ‌های تازه از شاخه‌های گیاهان و درختان خشک، بیرون می‌آیند و بهاران، موسم شکوفه دادن است» (همان: ۴۷). لازم به ذکر است؛ این جشن کهن سالانه با حضور شاه، فرادست مذهبی، گروه مومنان و وجود گوشت یک حیوان قربانی به مثابه نذر بر روی یک «میز»^{۲۱} چهارگوشه به همراه نوشیدنی هوم با همان کارکرد اسطوره‌ای، مطرح

روحانی است (بلخاری، ۱۳۸۸: ۳۶۸) و برای تصور عالم مثالی مورد استفاده قرار می‌گیرد (عسگری، اقبالی، ۱۳۹۲: ۴۸). در جدول شماره ۴، داده‌های تحلیل شده مرتبط با محتوا و رنگ محتوای درون جام که بر نمونه عناصر تصویری نگاره تطبیق داده شده، مطرح است. (جدول ۴):

در سنت اسلامی، رنگ با عالم متعالی و ماوراء طبیعی مرتبط است (اردلان، ۱۳۸۰: ۴۷)، به ویژه در عرفان اسلامی، قرمز معانی متعدد رمزی مانند؛ قدرت، حکمت، رنگ حیات و کثرت در دنیای وحدت‌بخش دارد (عسگری، اقبالی، ۱۳۹۲: ۴۸ و ۵۵). قرمز، فشرده و عصاره‌ی رنگ نور و عالم

جدول ۴: تطبیق داده‌های تحلیلی زمان بر محتوا و رنگ محتوای درون جام در نگاره. (نگارنگان: ۱۳۹۹)

تطبیق داده‌های تحلیلی زمان بر محتوا و رنگ محتوای جام در نگاره					
					
<p>هوم قرمز با داشتن تمامی خواص ماورایی ذکر شده برای شخصیت شاه‌اجم که می‌تواند کلیه امور سالانه را با نگاه به درون جام در موعد نوروزی پیشگویی کند. *رنگ مایع هوم می‌تواند به دلیل ترکیب با شیر یا آب یا تعبیر به شفافیت و زلالی با رنگ «سفید»^{۲۲} مانند رنگ دستمال یا گل نیلوفری در جوار شاه و نزدیک به مرکزیت آیین به تصویر کشیده شده باشد.</p>			<p>*بی‌رنگی یا شفافیت مایع درون جام مانند آب زلال به جهت خرد و آگاهی و پیش‌گویی در کلیه امور زندگی مرتبط با کیهانی انسانی به واسطه فرادست مذهبی به نمایندگی از مناسک کهن زردشت. *هوم قرمز در ترکیب شیر و آب متمایل به زنگ زرد جهت خاصیت درمانبخشی با اعتقاد به بی‌مرگی و جوانی. *هوم خالص قرمز با داشتن تمامی ویژگی‌های ذکر شده و همچنین قدرت در جنگاوری و پیروزی ازلی، باروری، روحانی و حیاتی.</p>		

مذهبی، نماد زردشت باشد. وجود جام مرتبط با هر یک از فرادستان و در این نگاره به طور خاص - جم یا جمشید- با ویژگی‌های زمانی خاصی در رابطه با زندگی معمول و به زبان رمز با هستی کیهانی ایران باستان مرتبط است. برخی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از پیش‌بینی نیک‌بختی‌هایی مانند غلبه بر شکار، زمان نزول برکات آسمانی، موعد کشت و زرع، زمان باروری و زاد و ولد، بدست آوردن قدرت جنگی، دوری از گزند و بیماری و کلیه‌ی اموری که انسان کهن ایرانی را به زمان ازلی و جاودانگی نزدیک می‌کند. بروز و ظهور موارد ذکر شده در نگاره باریابی نسخه التریاق امر مهم دیگری را متذکر می‌شود، این که مجموعه عناصر نگاره در وحدتی با یکدیگر، نشانگر صور حسی ادیان قبل از اسلام و مرتبط با فرهنگ کهن ایران بوده که در دوران اسلامی، الهام‌بخش منابع عظیم و متنوع انواع هنرها مانند نگارگری با برخورداری از همان زبان رمز مشترک، شده است به این ترتیب، سرشت مقدس‌انگاری در عناصر تصویری نگاره مزبور، بازتاب باورهای کهن مرتبط با جاودانگی امور آیین روز نو سال نو در گشودگی

نتیجه‌گیری

ضمن تحلیل برخی از اشکال اصلی نگاره نسخه خطی جالینوس/ التریاق، موارد تطبیقی زیر مرتبط با زمان مقدس‌انگاران کهن سال نو به زبان رمزپردازی در هستی‌شناسی کهن ایرانی با تکیه بر اندیشه‌ی الیاده به دست آمده‌است:

همه عناصر و اشکال نگاره در چهارگوشه‌هایی سازماندهی شده‌اند که محاط در یک مستطیل بزرگ است. این کادر اصلی می‌تواند به زبان رمزی، فضاسازی زندگی کهن را مطرح کند که با مرکزیت امور مقدس‌تر یک آیین در جریان، با شکلی از مربع مرتبط بوده که آن نیز در یک دایره مرکزی از زمان ازلی با برخی امور مهم به تصویر کشیده شده‌ی کیهانی انسان مطرح است. به نظر می‌رسد در مرکزیت آیین نوروزی سال نو، اعمال مربوط به نذر قربانی با همراهی فرادست حکومتی و مذهبی جامعه، همچنین حضور عناصر و موالید طبیعی در اولویت مقدس‌انگاری قرار دارند. با استناد به نشانه‌ها، فرادست حکومتی می‌تواند، انسان کهن‌الگویی جم یا جمشید و فرادست

از خوبی، موهبت الهی، ثروت و صلح که همگی بر پادشاه خوب از طریق ایزدان اضافه می‌شود (وهمن، ۱۳۸۴: ۱۹۴).

۱۲- Rapithwin: همچنین به معنی بازسازی جهان، گرم نگهدارنده‌ی آب‌های زیر زمین در زمستان و بازگشت سالانه در بهار که بازتابی از پیروزی نهایی خیر بر هر شری است (هینلز، ۱۳۹۱: ۴۳). دعای «آفرینگان رپیتون» مرتبط با واژه‌ی مزبور بوده و دعایی است که زردشتیان در زمان‌های خاص مانند آغاز فروردین می‌سرایند (اوشیدری، ۱۳۸۳: ۱۱۶).

۱۳- از نمونه اشتراکات مانویان، زردشتیان و هنر عرفانی نگارگری، می‌توان به نقش‌مایه‌های رمزی مرتبط با بی‌زمانی یا لازم‌مانی اشاره کرد که هنر قبل از اسلام را به دوره‌ی اسلامی، پیوند می‌دهد (کفشچیان مقدم، یاحقی، ۱۳۹۰: ۶۷). همچنین وجود فره‌اهورایی که در اعتقادات مانوی - هاله دور سر اشخاص در تصاویر - بوده و در تفکر اسلامی به نور تعبیر می‌شود، در واقع در تفکر برخی مسلمانان اهل نظر، آمادگی بهره‌مندی از اندیشه‌های زردشتی «مطابق با ایمان اسلامی»، وجود داشته است (کاپلستون، ۱۳۸۸: ۱۵۳).

۱۴- پرستنده‌ی مزدا.
۱۵- این کتاب در اوایل دوران اسلامی به زبان عربی در زمینه‌ی پزشکی تالیف شده و دارای نام‌های متعددی مانند: التریاق، الدریاق، التریاق لجالینوس است. یک دلیل به جهت انتخاب نگاره‌ی مورد نظر برای تحلیل و تطبیق می‌تواند این گونه نظریات باشد که تمدن و فرهنگ‌های کهن به جانشینان آن‌ها منتقل می‌شود، چنانکه ابن خلدون اعتقاد دارد؛ تمدن ایرانیان باستان به اعراب، بنی‌امیه و بنی‌عباس، منتقل شده و تمدن بنی‌عباس به دیلمیان و از ایشان به ترک‌ها و سپس به سلجوقیان، رسیده‌است (محمدی ملایری، ۱۳۸۴: ۹۷). بنابراین، نگاره‌ی مورد نظر می‌تواند دربردارنده‌ی دیدگاه‌های کهنی مانند زردشتی در باب امر مقدس زمان باشد.

۱۶- Yim. در متن قسمت؛ جم/ جمشید توضیح آن مطرح شده‌است.

۱۷- Axis mundi.

۱۸- مهر یا میترا از خداوندگاران آریایی پیش از زردشت است که پس از بنیادگذاری یکتاپرستی در ایران، ایزد یا فرشته‌ی آیینی مزدیسنا شد (ورمازن، ۱۳۴۵: ۵). بنا به نظریاتی

زمان ازلی و مرتبط با کلیه امور زندگی جامعه ایران باستان، تداوم یافته تا دوره اسلامی است.

پی نوشت ها

۱- Coding.

۲- Anthropocosmic.

۳- روش علمی الیاده، هرمنوتیک (علم تأویل) تاریخی- دینی است. بر این اساس، هرمنوتیک برای کشف معانی و تأویل پنهان اسطوره‌ها، آیین‌ها و رموز ضروری است (ستاری، ۱۳۸۴: ۱۳).

۴- Coincidenta Oppositorum.

۵- Archetype.

۶- زروران یا زرآوان Zaravan با واژه‌ی زمان هم‌معنی است. این اعتقاد کهن، اشاره به خدای ازلی و ابدی دارد که سرنوشت جهان و زندگان را رقم می‌زند (کریمی، مهرنگار، ۱۳۹۴: ۱۵۱). به زبان اسطوره‌ی نجومی، این سخن به این معنی است که در ازل تقدیر هر یک از افراد از طریق جدال کیهانی میان بروج دوازده‌گانه که نماینده‌ی نیروهای خیر هستند، و سیارات هفتگانه، مقدر شده است. یک چنین اعتقادات کهنی در اشتراک با دین زردشتی، مقبول عامه مردم و نافذ در افکار و فرهنگ آنان بوده است (هینلز، ۱۳۹۱: ۱۱۱-۱۱۶).

۷- معنی تحت‌اللفظی آن پرستش و نیایش است. سروده‌هایی که در آن‌ها خدایان ستایش شده‌اند.

۸- Fravashi.

۹- به معنی سروران بوده و ۲۴ قطعه یا کرده در ستایش و نیایش دارد.

۱۰- جشنی ۴۵ روزه از اول بهار تا نیمه‌ی اردیبهشت. دلیل برگزاری آن در سه جمله اعتقادی زردشتی، تعبیر شده‌است؛

۱- ماه فروردین-روز خرداد: زردشت سپیدمان به بینش و هم‌پرسی با اورمزدخدای رسید. ۲- ماه فروردین- روز خرداد: دین مزدیسنان از اورمزدخدای بپذیرفت. ۳- ماه فروردین- روز خرداد: گشتاسب شه دین از زردشت بپذیرفت (رضی، ۱۳۸۴: ۳۲۹).

۱۱- Farn, Xvarnah: درخشش، هاله‌ی بخت، سعادت‌مند ابدی (ویدن گرن، ۱۳۷۷: ۴۵۴). معانی دیگر آن؛ بهره‌مندی

منابع

- بسیاری از رموز و اسرار ایین میترا یا مهر بر خلاف آنچه مشهور شده، اصل و بنیاد کهن خود را در طول تاریخ فرهنگی ایران، حفظ کرده‌است (پاشایی، ۱۳۹۳: ۱۲۰). وجود جام در آیینی مانند مهر، تأیید شده به شکلی که در معابد مهریان این خداونگار با جامی در دست دیده می‌شود که مرتبط با زمان حیات گیاهی و جانوری است (امامی، مالگرد، ۱۳۹۱: ۱۰).
- ۱۹-Haoma. احتمالاً در اعتقادات قبل از زمان زردشت هوم و قربانی گوشت گاو آیین مهر، مطرح بوده که به نوعی در ارتباط با جم و پدر او در اوستا مطرح می‌شود، البته گفته می‌شود که دین نخست آیین زردشت آن را نکوهش کرده‌است (ویدن گرن، ۱۳۷۷: ۸۷). البته ارتباط جمشید با هوم بیشتر به مثابه پزشک در تاریخ اسطوره‌ی ایرانی، مطرح است (کاوپانی پویا، ۱۳۸۹: ۷۱)، چنانکه علم پزشکی در دوره‌ی پاشاهی جم یا جمشید پدیدار شده و تشخیص بیماری‌ها و درمان آن با او بوده (بلعمی، ۱۳۵۳: ۸۸-۸۹). فردوسی به این امر اشاره دارد:
- «... دگر بوی‌های خوش آورد باز که دارند مردم به بویش نیاز / پزشکی و درمان هر دردمند در تندرستی و راه گزند...» (فردوسی، ۱۳۷۹: ۴۴/۱).
- ۲۰-Yazn, Yasn: مانند یشت به معنی پرستش و نیایش بوده و با واژگان جشن و ایزد هم‌ریشه است. یسن‌های اوستا ۷۲ ها یا فصل‌اند. همه‌ی یسن‌ها را دو روحانی در مراسم دینی خوانده و طی آن مراسم، شیره گیاه هوم را فشرده و با شیری که بر آن دعا خوانده شده ترکیب می‌کنند (آموزگار، ۱۳۹۶: ۶۶). این ترکیب، حالت نیروزایی غیر عادی هوم که زردشت آن را تقبیح کرده، تعدیل می‌کند (نوابی، ۱۳۸۹: ۱۳۱).
- ۲۱- نام دیگر آن «میزد» Mayazd است.
- ۲۲- به نظر می‌رسد که در این نگاره نمونه عناصر ماورایی از جمله گل نیلوفری، دستمال بر قبضه شمشیر وارونه- شاید به نشانه صلح- و مایع درون جام مرتبط با شاه/ جم با رنگی از سفید چینی، سفید روی یا سفید سرب (Kremnitz) رنگ‌آمیزی شده است. ماده مزبور در اثر مرور زمان به زردی یا تیرگی می‌گراید (کرامتی، ۱۳۸۳: ۴۱۵).
- آموزگار، ژاله. (۱۳۸۷). *زبان، فرهنگ و اسطوره*. تهران: مَه‌ارت.
- احمدی، لیلا. (۱۳۹۴). «نقش اعداد در آیین‌های گذر ایرانی (با تکیه بر فرهنگ گیلان، آمل، تالشان، بروجرد، لرستان، خراسان و ایزدخواست)»، *مطالعات ایرانی*، شماره ۲۸، صص ۱۶-۱.
- اردلان، نادر. (۱۳۸۰). *حس وحدت و سنت عرفانی در معماری اسلامی*. مترجم: حمید شاهرخ و لاله بختیار. تهران: نشر خاک.
- الیاده، میرچا. (۱۳۹۴). *رساله در تاریخ ادیان*. ترجمه جلال ستاری. تهران: سروش.
- _____ (۱۳۹۳). *مقدس و نامقدس*. ترجمه نصرالله زنگویی. تهران: سروش.
- _____ (۱۳۸۷). *متون مقدس بنیادین از سراسر جهان*. مترجم: مانی صالحی علامه. تهران: فراروان.
- _____ (۱۳۸۱). «نکاهی کوتاه بر واقعیت تاریخی و پیام‌های آسمانی زرتشت». مترجم: حسین حیدری، *کتاب ماه دین*، شماره ۶۰ و ۶۱، صص ۵۳-۴۶.
- _____ (۱۳۷۹). *دین‌پژوهی/ جلد دوم*. مترجم: بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- _____ (۱۳۷۹). «زردشت و دین ایرانی (فصلی از تاریخ باورها و اندیشه‌های دینی)»، مترجم: احمد سمیعی (گیلانی)، *معارف*، شماره ۵۰، صص ۶۱-۴۸.
- _____ (۱۳۷۵). *دین‌پژوهی/ جلد اول*. مترجم: بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- امامی، نصرالله و مالگرد، نوشین. (۱۳۹۱). «اسطوره جام جم و عرفان اسلامی»، *پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)*، شماره ۲، صص ۲۴-۱.
- اوشیدری، جهانگیر. (۱۳۸۳). *واژه‌نامه‌ی توضیحی آیین زرتشت*. تهران: نشر مرکز.
- براین، پی‌یر. (۱۳۷۷). *تاریخ امپراطوری هخامنشیان از کوروش تا اسکندر*. مترجم: مهدی سمسار، تهران: زریاب.
- برند، باربارا. (۱۳۸۳). *هنر اسلامی*. مترجم: مهناز شایسته‌فر.

- تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- بروس میت‌فورد، میراندا. (۱۳۸۸). فرهنگ مصور نمادها و نشانه‌ها در جهان. مترجم: ابوالقاسم دادور و زهرا تاران. تهران: نشر دانشگاه الزهرا.
- بسته‌نگار، مهرنوش. (۱۳۹۳). «رنگ منظر ایرانی (جایگاه رنگ در کشف برند گردشگری ایران)»، منظر، شماره ۲۹، صص ۶۴-۵۸.
- بلخاری، حسن. (۱۳۸۸). مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی. تهران: سوره مهر.
- بلعمی، ابو علی محمد. (۱۳۵۳). تاریخ بلعمی. به تصحیح محمدتقی بهار و محمد پروین گنابادی. تهران: زوار.
- پاشایی، زیلا. (۱۳۹۳). «ظهور نقش‌مایه ماهی آیین مهر در مهرهای دوره قاجار و فلوس‌های دوره صفویه و قاجار»، گنجینه اسناد، شماره ۲، صص ۱۳۷-۱۰۶.
- پاکباز، رویین. (۱۳۸۳). نقاشی ایران از دیرباز تا امروز. تهران: زرین و سیمین.
- پوپ، آرتور اوپهام. (۱۳۸۷). سیری در هنر ایران (از دوران پیش از تاریخ تا امروز) / جلد دهم. مترجم: نجف دریابندی و دیگران. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- جعفری، حسن. (۱۳۸۷). «دین و اسطوره: بررسی فلسفی نظریه‌ی میرچا الیاده پیرامون اسطوره»، پژوهشنامه ادیان، شماره ۴، صص ۷۴-۴۷.
- چوناکوا، ا. م. (۱۳۷۶). «جنبه نمادی رنگ در متن‌های پهلوی، ترجمه لیلا عسگری»، نامه فرهنگستان، شماره ۱۲، صص ۷۲-۶۴.
- حاجی‌علی‌عسگر، ندا و مؤمنی، کورش. (۱۳۹۶). «تجلی عدد چهار در طرح معماری آتشکده‌های ایران»، معماری و شهرسازی آرمانشهر، شماره ۲۱، صص ۳۸-۲۳.
- حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۷۰). دیوان، بر اساس نسخه قزوینی و غنی. تصحیح منصور موحدزاده. تهران: پژوهش.
- خاتمی، محمود. (۱۳۹۰). پیش‌درآمد فلسفه‌ای برای هنر ایرانی. تهران: متن.
- دادگی، فرنیغ. (۱۳۶۹). بندهش. گزارنده مهرداد بهار. تهران: توس.
- دادور ابوالقاسم و برازنده حسینی، مهتاب. (۱۳۹۱). همبودی دین و هنر در ایران باستان. تهران: گستره.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغتنامه دهخدا / جلد سوم. تهران: دانشگاه تهران.
- ربیعی، هادی. (۱۳۹۰). جستارهایی در چیستی هنر اسلامی (مجموعه مقالات: تاریخ نگارگری ایرانی- اسلامی از حبیب‌الله آیت‌اللهی). تهران: فرهنگستان هنر.
- رضی، هاشم. (۱۳۸۴). آیین مغان: پژوهشی درباره دین‌های باستان. تهران: سخن.
- ستاری، جلال. (۱۳۸۴). مقدمه بر اسطوره و رمز در اندیشه میرچا الیاده، جهان اسطوره‌شناسی (۶). تهران: نشر مرکز.
- شیمل، آنهماری و ساسک، پرسیلا. (۱۳۸۹). «ارزش‌های رنگ در هنر و ادبیات ایران»، مترجم: مریم میراحمدی، نامه انجمن، شماره ۱۲، صص ۵۸-۴۰.
- عسگری، فاطمه و اقبالی، پرویز. (۱۳۹۲). «تجلی نمادهای رنگی در آیین هنر اسلامی»، جلوه هنر، شماره ۹، صص ۶۲-۴۳.
- علمی، قربان. (۱۳۹۵). «میرچا الیاده و انسان‌شناسی»، انسان‌پژوهی دینی، شماره ۳۶، صص ۲۹-۵.
- علمی، قربان. (۱۳۹۳). «الیاده و هستی‌شناسی مقدس»، پژوهش‌های هستی‌شناختی، شماره ۵، صص ۲۱-۱.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۹). شاهنامه، به کوشش سعید حمیدیان. ۹ جلد در ۴ مجلد. تهران: قطره.
- قنبری، حسن. (۱۳۹۰). «دین از نگاه میرچا الیاده»، ادیان و عرفان، شماره ۱، صص ۱۲۸-۱۱۷.
- کاپلستون، فردریک چارلز. (۱۳۸۸). واحد در ادیان. مترجم: محمود یوسف ثانی. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- کاویانی، پویا. (۱۳۸۹). «پزشکی و سیر تحول درمان در ایران باستان»، تاریخ پزشکی، شماره ۳، صص ۹۸-۶۷.
- کرامتی، محسن. (۱۳۸۳). فرهنگ اصطلاحات و واژگان هنرهای تجسمی: انگلیسی-فارسی. تهران: چکامه.
- کریستن‌سن، آرتور امانوئل. (۱۳۷۸). ساسانیان. مترجم: رشید یاسمی. به تصحیح حسن رضایی باغ‌بیدی. تهران: صدای معاصر.
- کفشچیان مقدم، اصغر و یاحقی، مریم. (۱۳۹۰). «بررسی عناصر نمادین در نگارگری ایران»، باغ نظر، شماره ۱۹، صص ۷۶-۶۵.

- لک‌زایی، مهدی و موسویان، حمید. (۱۳۹۶). «پدیدارشناسی دین و هرمنوتیک نزد میرچا الیاده»، *اندیشه دینی دانشگاه تبریز*، شماره ۳، صص ۱۵۰-۱۳۷.
- محمدی ملایری، محمد. (۱۳۸۴). *فرهنگ ایران پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی*. تهران: توس.
- مددپور، محمد. (۱۳۹۳). *تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی*. تهران: چاپ و نشر بین الملل. این منبع در تحلیل عدد ۴ کیهانی استفاده شده
- مدرس، فاطمه و مظفری، وزیر. (۱۳۹۵). «اسطوره شاهان پیشدادی در متون تاریخی فارسی»، *متن پژوهی/ادبی*، شماره ۶۹، صص ۶۴-۳۵.
- مراثی، محسن. (۱۳۹۱). «تبیین بررسی چگونگی ترکیب نوشته و تصویر و خاستگاه آن در نگارگری مکتب شیراز دوره آل اینجو»، *نگره*، شماره ۲۳، صص ۵۱-۴۳.
- نوابی، مریم. (۱۳۸۹). «هنومه و سومه در اندیشه هندوان و ایرانیان باستان»، *پژوهشنامه/ادیان*، شماره ۸، صص ۱۴۴-۱۲۵.
- ورمازرن، مارتن. (۱۳۴۵). *آیین میترا*. مترجم: بزرگ نادرزاد. تهران: دهخدا.
- وهمن، فریدون. (۱۳۸۴). *دیانت زرتشتی*. تهران: جامی.
- ویدن، گرن، گنو. (۱۳۷۷). *دین‌های ایران باستان*. مترجم: منوچهر فرهنگ. تهران: آگاهان دیده.
- هینلز، جان راسل. (۱۳۹۱). *شناخت اساطیر ایران*. مترجم: ژاله آموزگار و احمد تفضلی. تهران: نشر چشمه.
- Eliade, Mircea (1991), *The Myth of the Eternal Return*, tr. W. R. Trask (Princeton, NJ): Princeton University Press.
- ——— (1986), *Symbolism, the Sacred, and the Arts*, ed. Diane Apostolos - Cappadona, New York: Crossroad company.
- ——— (1968), *Patterns in Comparative Religion*, Trans. Rosemary Sheed, Cleveland: The World Publishing Company.
- ——— (1967), *Myths, Dreams, and Mysteries*. Translated by Philip Mairet. New York: Harper Torchbooks.
- ——— (1954), *The Myth of the Eternal Return or Cosmos and History*, Princeton University Press.

Matching the Number Four, Jamshid, and Cup of Jamshid (Jām-e Jam) with the Elements of the Portrait of “Permission to Enter” in Al-Tariagh Based on the Eliade’s Opinion

Nasrin Sattari Najafabadi¹

1- Master of Islamic Art, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding author)

DOI: 10.22077/NIA.2021.3857.1377

Abstract

Dealing with time as an ancient sacred element in the New Year ritual has always been regarded in the ancient Iranian culture. The reflection of the continuation of this action until the Islamic era can probably be seen in the exemplar portrait of “Permission to Enter” in the book entitled Al-Tariagh. The question is, how does the sacred time of the New Year relate to the portrait of “permission to enter” in the Al-Tariagh? In this paper, the author first examines the necessity of paying attention to the cosmic code language in the ancient culture of Iran by relying on the thought of Mircea Eliade. In his view, this is a factor in recognizing the sanctity of the ritual of New Day of the New Year. The author then analyzes the supposedly sacred things, including the number four, Jamshid, the Jam-e-Jam (Jamshid’s cup), the content inside the cup, and the color of the content by proposing ideas that are in line with Eliade’s view. The author tries to apply those things to the visual elements of the mentioned portrait. Accordingly, in ancient ontology, in the custom of ancient Iranian society, time was renewed and subsequently sanctified all matters of life such as persons, objects and concepts. The insistence on the necessity of repeating that ritual in order to maintain sanctity in the cultural context until the Islamic era, has been raised and has influenced the subjects of the art of painting, which can be seen, for example, in the portrait of “permission to enter” in the book Al-Tariagh. Therefore, the sacred matters; the number four, Jamshid’s character, his cup, and the content inside the cup in the mentioned portrait are in harmony with the ancient belief of the revival and openness of the ritual in time immemorial and its effect on matters related to life.

Key words: Holy time, number four, Jamshid, Jām-e Jam, Al Tariagh, portrait of “permission to enter”, Eliade.

1 - Email: sattarinasrin@yahoo.com